

تبعید مخالفان در دوره پهلوی دوم به روایت اسناد (مطالعه پژوهی: اسناد و مدارک اداره کل سوم ساواک)

محمد رضا تمری^۱ / سجاد آبیاری^۲

چکیده

در دوره پهلوی دوم برای دور کردن مخالفان از حکومت، با توجه به فعالیت‌های آنان هیئت حاکمه در برابر اعمال و رفتار آنها واکنش نشان می‌داد و به همین دلیل اداره کل سوم ساواک از راه‌های مختلف همچون تحت کنترل قرار دادن، ممنوع‌المنبر کردن، دستگیری و بازداشت و تبعید مخالفان اقدام می‌کرد. پرویز ثابتی مدیرکل اداره سوم ساواک، که یکی از ادارات مهم سازمان اطلاعات و امنیت کشور در دوره پهلوی دوم با وظیفه اصلی حفظ و تأمین امنیت داخلی بود، از تبعید به عنوان شیوه مجازات برای برخورد با مخالفان استفاده می‌کرد. هدف مقاله حاضر، توصیف و تحلیل تبعید مخالفان در دوره پهلوی دوم است. مقاله به دنبال پاسخ دادن به سؤال از چیستی هدف تبعید در دوره پهلوی دوم است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کنترل تبعیدی‌ها، دوری از مرکز، مناطق مختلف تبعید، تبعید گروهی و فشارهای اقتصادی از شاخص‌های تبعید در این دوره است. روش گردآوری منابع در این تحقیق استفاده از اسناد و مدارک آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: تبعید، اداره کل سوم ساواک، پرویز ثابتی، روحانیت، رژیم پهلوی.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ گرایش اسناد و مدارک آرشیوی، پژوهشگر اسناد (نویسنده مسئول)

Tamri.baran@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Sajad1abiari@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸

Exile of opponents in the second Pahlavi period according to documents
(Case study: documents of the third General Directorate of Savak)

Mohammad Reza Tamri¹/ Sajad Abiari²

Abstract

In the second Pahlavi period, in order to keep the opposition away due to their activities, the ruling body reacted against their actions and behavior, and for this reason, the Third General Directorate of Savak used various means such as putting them under control, banning the pulpit, arresting and detaining and deporting the opposition. Parviz Sabeti, director general of the third department of SAVAK, which was one of the important departments of the country's intelligence and security organization during the second Pahlavi period, and its main task was to maintain and ensure internal security. He used exile as a method of punishment to deal with opponents. The purpose of the article is to describe and analyze the exile of opponents in the second Pahlavi period. The article seeks to answer the question of what was the purpose of exile in the second Pahlavi period. The findings of the research show that the control of exiles, distance from the center, different exile areas, group exile and economic pressures are indicators of exile in this period. This research uses the archival documents and library resources.

Keywords: Exile, Third General Administration of Savak, Parviz Shabeti, Clergy, Pahlavi regime.

¹. MA in history of archives and documents, document researcher (responsible author) baran@gmail.com

². MA in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Sajad1abiari@gmail.com

Received date: 18/08/1401 Accepted date: 12/10/1401 Article type: research

مقدمه

قانون تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در سال ۱۳۳۵ در مجلس سنا و سپس مجلس شورای ملی به تصویب رسید و وظیفه آن طبق ماده اول «حفظ امنیت کشور و جلوگیری از هرگونه توطئه که مضر به مصالح عمومی» بود. ساواک در آغاز هشت اداره کل بود که به تدریج تعداد آن افزایش یافت و بر اساس آخرین تقسیم‌بندی به ده اداره رسید که عبارت بودند از:

۱- اداره کل یکم: امور اداری ۲- اداره کل دوم: جمع‌آوری اطلاعات خارجی ۳- اداره کل سوم: امنیت داخلی ۴- اداره کل چهارم: حفاظت ۵- اداره کل پنجم: فنی ۶- اداره کل ششم: امور مالی ۷- اداره کل هفتم: بررسی اطلاعات خارجی ۸- اداره کل هشتم: ضد جاسوسی ۹- اداره کل نهم: حقوق ۱۰- اداره کل دهم: آموزش.

اداره کل، گسترده‌ترین تشکیلات ساواک را داشته و زیر نظر رئیس ساواک اداره می‌شد. این اداره از بخش‌ها و ادارات مختلفی مانند: دفتر اداره کل، بخش مستقل بازجویی، اداره یکم تا هفتم تشکیل شده بود که هر یک از ادارات از بخش‌های مختلف و وظایفی در زمینه‌های: احزاب و گروه‌های کمونیست، احزاب، گروه‌های افراطی سیاسی و براندازی، اعراب، بلوچ و هدف‌های جدید، اکراد، تحقیقات و تبلیغات ضد مارکسیسم و تبادل اطلاعات، آموزش عالی و دانشگاه تهران، مرکز آموزشی تهران، مراکز آموزش عالی شهرستان‌ها، وزارت آموزش و پرورش، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و حساس ملی، امور کارگری و اصناف، روحانیون، جوامع و اقلیت‌های مذهبی، امور کشاورزی، دامپروری و عشایر، مطبوعات و تبلیغات، نارضایتی‌های عمومی و مسائل اجتماعی و اقتصادی را بر عهده داشتند (شاهدی، ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۰۸).

هر یک از ادارات کل ساواک دارای مدیرکل مستقل بود. از زمان تأسیس اداره کل سوم ساواک تا انحلال آن مدیران مختلفی به اداره آن پرداختند. در سال ۱۳۵۲ پرویز ثابتی مدیریت آن را به عهده گرفت. از آنجایی که هدف تأسیس ساواک «حفظ امنیت کشور و جلوگیری از هرگونه توطئه که مضر به مصالح عمومی است» بود، بنابراین ساواک تلاش می‌کرد برای رسیدن به این مقصود اقداماتی انجام دهد، و سعی کرد مخالفان را از صحنه خارج نماید. اولین اقدام ساواک در برخورد با مخالفان -به‌ویژه روحانیون- ممنوع‌المنبر کردن آنها بود (نجاری‌راد، ۱۳۷۸: ۱۷۲).

ساواک معمولاً آنها را فرامی‌خواند و تذکر می‌داد که از بیان مسائل سیاسی پرهیز کنند و در پایان نیز از آنان تعهدنامه‌ای مبنی بر عدم انجام فعالیت‌های خلاف مصالح مملکت می‌گرفت؛ ولی چون آنها از دستورات ساواک سرپیچی می‌کردند، ساواک آنها را ممنوع‌المنبر می‌کرد (نجاری-راد، ۱۳۷۸: ۱۷۲). علاوه بر ممنوع‌المنبری، بازداشت و شکنجه و فشارهای روانی و تبعید مخالفان از جمله اقدامات ساواک بود. ساواک برای ایجاد محدودیت برای مبارزان، برخی مخالفان را به جاهای بد آب‌وهوا تبعید می‌کرد و چنانچه آنها به فعالیت‌های خود ادامه می‌دادند مجدداً کمیسیون امنیت اجتماعی تشکیل می‌شد و در زمینه تغییر محل تبعید آنان تصمیم‌گیری می‌شد. بنابراین تبعید یکی از راهکارهای مجازات مخالفین بود که در این مقاله به آن می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

درباره موضوع تبعید در دوران پهلوی آثاری را می‌توان به‌عنوان پیشینه ذکر کرد. برخی مقالات به این موضوع در دوره پهلوی اول پرداخته‌اند: «تحلیل مجازات تبعید در دوره پهلوی اول»، و «تحلیل مؤلفه‌های تبعید مخالفان سیاسی در دوره پهلوی اول (تبعیدی، تبعیدگاه و علت تبعید)» از سادات بیگدلی، روح‌بخش نیز در مقاله «تبعیدی‌های نهضت روحانیت: بررسی علل و پیامدهای تبعید روحانیان مبارز» با محوریت امام خمینی به موضوع پرداخته است. کتاب «در دامگه حادثه» که گفت‌وگوی مفصلی با پرویز ثابتی می‌باشد شامل خاطرات وی است. شاهدی نیز در کتاب «ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (۱۳۵۷-۱۳۳۵)» اطلاعات ارزنده‌ای در ارتباط با ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه ارائه داده است و همچنین شکنجه به روایت شکنجه‌گران نیز مطالب مفیدی در این باره دارد. با این وجود به نظر می‌رسد که اطلاعات پراکنده‌ای در مورد موضوع وجود دارد؛ ولی کافی و جامع نیست که در این پژوهش به‌صورت مستقل به آن پرداخته خواهد شد.

مفهوم‌شناسی تبعید

تبعید در لغت به‌معنای نفی بلد یا اخراج از بلد آمده است (دهخدا، ۱۳۳۵: ۳۳۷)؛ همچنین به‌معنای دور کردن، راندن (از شهر و جایی) و نفی بلد است (معین، ۱۳۷۶: ۱۰۲۴). تبعید یعنی دور کردن کسی از وطنش به جهت جرم سیاسی و غیر آن می‌باشد. معنی لفظ تبعید جدید است و بعد از انقلاب مشروطه در ایران پیدا شد که در اصطلاح حقوق نوعی مجازات است؛ چنان‌که کسی را

بنابر دستور محاکم دادگستری و یا سایر مراجع صلاحیت‌دار از شهر یا ناحیه خود اخراج کردند و یا شخص محکوم را مجبور ساختند که در محل خاص در مدت محدودی سکونت اختیار کند (دهخدا، ۱۳۳۵: ۳۳۷)

تبعیدی: شخصی که به‌علت انجام‌دادن کاری یا انجام‌ندادن کاری، به تشخیص حکومت حضورش از نظر سیاسی یا اجتماعی برای آن محل مضر است؛ پس به محل دیگری تبعید می‌شود که حکومت تعیین می‌کند و به‌طور عمده تا محل نخست فاصله دارد (سادات بیگدلی، ۱۳۹۸: ۷۸-۷۷). به‌علاوه تبعیدی به کسی که به‌حکم مراجع قانونی نفی بلد شده باشد یا آنکه به سکونت در محلی خاص محروم گردد، اطلاق می‌شود (دهخدا، ۱۳۳۵: ۳۳۷).

تبعیدگاه: اسم جایی است که تبعیدی ناگزیر به اقامت در آن است (صدری افشار، ۱۳۸۳: ۳۴۴). محلی است که تبعیدی موظف است مدت محکومیت به تبعید را در آنجا به سر برد و به‌طور معمول از محل ارتکاب جرم فاصله دارد. تبعیدگاه در معنای عام، محلی است که دولت، شخص یا اشخاصی را به اقامت در آنجا محکوم و مجبور می‌کند. تبعیدگاه به مفهوم اخص، نقطه‌ای است که در بیشتر مواقع دورافتاده و بد آب و هواست و حکومت، گروهی را که عناصر خطرناک و اصلاح‌ناپذیر تلقی می‌کند به جرم ارتکاب جرائم سیاسی یا اجتماعی یا امنیتی به زیستن در آن نقطه مجبور می‌کند (سادات بیگدلی، ۱۳۹۸: ۷۸-۷۷).

برخورد با مخالفان

مخالفان رژیم پهلوی طیف گسترده‌ای بودند و هر یک در مبارزه با حکومت مشی ویژه‌ای در پیش گرفتند. ازجمله گروه‌های سیاسی می‌توان به حزب توده، حزب ایران، حزب ایران نوین، جبهه ملی، حزب زحمتکشان ملت ایران، حزب مردم، جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران، نهضت آزادی، کانون نویسندگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق، هیئت مؤتلفه اسلامی، گروه ابوزر، کانون نشر حقایق اسلامی اشاره کرد که ساواک به تعقیب آنان پرداخت. شاه در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ نقطه اتکای حکومت را ساواک قرار داد و ساواک در تعقیب مخالفان سیاسی از اختیارات بسیاری برخوردار بود. ساواک برای تعقیب و بازداشت، نگهداری و بازجویی از مخالفان و متهمان سیاسی امکانات وسیعی در اختیار داشت. گفته می‌شد علاوه بر تجهیزات لجستیکی، نظامی و دیگر لوازم جاسوسی، در تهران بیش از ده‌هزار خانه و

مکان در اختیار داشت و برای تعقیب و کنترل مخالفان از آن بهره می‌برد. ساواک در رستوران‌ها، فرودگاه‌ها حوزه‌های علمیه حضور فعال داشت (شاهدی، ۱۳۸۶: ۳۸۴-۳۸۱). ساواک مخالفان و مظنونان سیاسی و هر یک از گروه‌های سیاسی و احزاب را درجه‌بندی می‌کرد. به‌عنوان نمونه برای مراقبت از جبهه ملی طرح خاصی را دنبال می‌کرد و برای مراقبت از روحانیون و یا اعضای نهضت آزادی طرح دیگر داشت و برای گروه‌های که مشی مسلحانه داشتند نوع طرح فرق می‌کرد. یکی از روش‌های ساواک در برخورد با مخالفان و برای ایجاد رعب و وحشت، تحت تعقیب قرار دادن هر نوع اعتراضی بود. حتی اگر از طریق قانونی شکایتی علیه سازمان یا شخصیتی دولتی طرح می‌شد، ساواک در پی تعقیب شکایت‌کنندگان بود. با شاکی چنان برخورد می‌کرد که دیگر هیچ‌گونه اعتراضی برای همیشه نداشته باشد. یکی از کارخانه‌داران شکایتی به فرح رساند که به عرض شاه برساند، فردای آن روز فرح خبردار شد که این شخص دستگیر شده است.

جوانی قمی که سر اختلاف مالکیت با سپهبد اویدی، شکایتی به شاه رساند را دستگیر و در اثر شکنجه ساواک، فلج شد. این‌گونه برخوردها موجب وحشت مردم می‌شد تا جایی که به شکل قانونی شکایت وجود نداشت. در هفتم تیر ۱۳۵۴، کارگران چند کارخانه اعتصاب کردند، اعتصابیون موردحمله نیروهای ساواک قرار گرفتند و روزنامه‌های دولتی اعلام کردند دو زن و دو مرد و یک مأمور انتظامی کشته شده‌اند. اما آمار غیررسمی تعداد کشته شدن را هفتاد نفر و مجروحین را سیصد نفر اعلام کردند. هرچند این آمار اغراق‌آمیز بود، اما ساواک از نشر این‌گونه شایعه‌ها ناراضی نبود تا بتواند با رعب و وحشت از هرگونه اعتراضی جلوگیری نمایند (حسینیان، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

تبعید مخالفان راهکاری برای کنترل آنان

یکی از راهکارهایی که رژیم حاکم علیه مخالفان اتخاذ کرد تبعید آنان بود. در دوره پهلوی دوم نسبت به تبعید مخالفان و مراقبت از تبعیدگاه‌ها اقداماتی به عمل می‌آمد. به‌عنوان نمونه مراقبت از تبعیدگاه مصدق در احمدآباد بود که از همان آغازین روزها تا پایان عمر او در اسفند ۱۳۵۴ ادامه داشت. هنگامی که مصدق درگذشت، ساواک تدابیر امنیتی شدیدی برای جلوگیری از هرگونه مخالفتی اندیشید و از شرکت طرفداران وی در مراسم خاک‌سپاری جلوگیری کرد.

بسیاری از کسانی که برای مصدق ابراز احساسات کردند تحت تعقیب قرار گرفتند (شاهدی، ۱۳۸۶: ۳۹۸).

به‌هرحال تب‌عید، راهی دیگر برای خلاصی از دست افراد مبارز و به قول موافقین این امر رهایی از دست افراد شرور بود، به‌طوری‌که بعد از تب‌عید امام خمینی، سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه آن کشور گزارش داد: «سرانجام ما توانستیم از شر آن پیرمرد شیطان‌صفتی که چوب لای چرخ ما می‌گذاشت، راحت شویم... در حال حاضر او در یکی از هتل‌های درجه ۲ ترکیه اقامت دارد» (روح‌بخش الله‌آباد، ۱۳۷۸: ۱۱۶). به قول آیت‌الله خاتم یزدی هدف رژیم از تب‌عید امام به نجف این بود که شأن علمی و سیاسی ایشان را پایین بیاورد، چون حوزه علمیه نجف با قدمتی هزارساله و با وجود مراجع و بزرگانی در این حوزه، ایشان را در خود مستهلک خواهد کرد و افراد را بالا و پایین می‌کشد (خاطرات آیت‌الله خاتم یزدی، ۱۳۹۹: ۷۰).

ساواک در اطلاعیه‌ای که در رسانه‌ها منتشر شد خبر تب‌عید امام خمینی را چنین اعلام کرد: «طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل کافی، چون رویه آقای خمینی و تحریکات مشارالیه علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد، لذا در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۴۳ از ایران تب‌عید گردید» (روحانی، ۱۳۸۱: ۱۰۵۷). بنابر گزارش نمایندگی ساواک در آنکارا درباره امام خمینی، تب‌عید وی را دفاع از وطن بیان کرده است (مراسان، پرونده امام خمینی: ۹۴/۱).

از منظر رژیم، تب‌عید مبارزان و مخالفان می‌توانست آنان را از مرکز اصلی مبارزه دور نماید، درحالی‌که از بررسی فعالیت‌های سیاسی تب‌عیدی‌ها در تب‌عیدگاه‌های خود، چنین می‌توان نتیجه گرفت که آنها در شهرهای محل تب‌عید خود به تبلیغ علیه رژیم پرداخته و نقش بسیار مهم در افزایش بینش سیاسی گروهی از عناصر و نیروهای مستعد مذهبی منطقه محروم و دور از مرکز داشته‌اند. بنابراین در فاصله یک دهه و نیم صرف‌نظر از تب‌عیدهای انفرادی فعالان و مبارزان سیاسی نظیر امام خمینی، طالقانی، قاضی طباطبایی چندین موج تب‌عیدی را شاهد هستیم ازجمله تب‌عید بیست و پنج نفر از فضلالی حوزه علمیه قم در مرداد ۱۳۵۲ بعد از ترور و خلع سلاح یک پاسبان در قم توسط گروه ابوذری و تب‌عید همین تعداد در سال ۱۳۵۶ در پی قیام ۱۹ دی قم بودیم (روح‌بخش الله‌آباد، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

تب‌عید مخالفان توسط ساواک بین سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۷ را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد:

مرحله اول تبعیدها: قتل یک پاسبان در قم توسط گروه ابوذر (۱۳۵۱-۱۳۵۴)

مرحله دوم تبعیدها: تبعیدهای واقعه ۱۹ دی ۱۳۵۶ و برگزاری سلسله مراسم چهلمین روز شهدا (۱۳۵۵-۱۳۵۷)

همان‌طور که خاطرنشان شد یکی از گروه‌های مخالف رژیم پهلوی روحانیون و علما بودند و رژیم سعی می‌کرد نسبت به طرد آنها اقدام نماید و یکی از شیوه‌های موردنظر تبعید روحانیون به مناطق بد آب هوا بود. ساواک سعی می‌کرد به هر طریق ممکن روحانیون را از صحنه خارج نماید لذا آنان را ممنوع المنبر، بازداشت و تبعید می‌کرد.

پرویز ثابتی مدیرکل اداره سوم ساواک در تاریخ ۱۳۵۲/۶/۳۱ در مکاتبه با ریاست ساواک بیان می‌دارد با توجه به اینکه افرادی که به لحاظ فعالیت‌های ضد امنیتی با ایجاد آشوب و بلوا از محل‌های اقامت خود با تشکیل کمیسیون امنیت اجتماعی طرد می‌گردند اصولاً افرادی ناراحت بوده و دائماً درصدد دنبال نمودن فعالیت‌های مضره قبلی خود می‌باشند و تجربه نشان داده است این عناصر پس از تبعید دست از فعالیت برنداشته بلکه جری‌تر شده و مترصد اوضاع زمان و مکان هستند تا به نفع خود و افکاری که دارند بهره‌برداری نمایند (مراسان، ۲۵۵۴: ۲۱).

مدیرکل اداره سوم ساواک در ادامه چنین می‌گوید:

«لذا خواهشمند است دستور فرمایید با همکاری ژاندارمری و شهربانی محل نسبت انجام موارد زیر درباره آنها اقدام و از نتیجه، این اداره کل را آگاه سازند:

۱. به محض ورود به منطقه ترتیبی اتخاذ نمایند تا محلی در نزدیکی شهربانی یا ژاندارمری و یا نزدیک محل سکونت یکی از منابع و یا همکاران افتخاری جهت سکونت آنان در نظر گرفته شود تا کلیه فعل و انفعالات افراد موردنظر و همچنین تردهایی که به آن محل می‌شود تحت کنترل قرار گیرد.

۲. با همکاری مأمورین شهربانی و ژاندارمری اشخاص تبعیدشده را احضار و عواقب وخیم هرگونه فعالیت و عمل خطایی که انجام دهند به آنان گوشزد گردد.

۳. مکاتبات این افراد کنترل و ترتیبی اتخاذ نمایند تا یکی از منابع و یا همکاران افتخاری به‌طور مستمر با آنان در تماس بوده و ضمن مراقبت دقیق از اعمال و رفتارشان افرادی که به محل سکونت آنان تردد می‌نمایند و یا از سایر شهرستان‌ها جهت دیدار ایشان به منطقه می‌آیند، شناسایی نمایند.

۴. به نحو مقتضی از سخنرانی و حضور آنان در مجالس جلوگیری و با توجه به اینکه به هیچ عنوان یادشدگان مجاز به دایر نمودن کلاس درس و بحث و اصولاً شرکت در این گونه مجالس نمی- باشند چنانچه قصد چنین عملی را نمودند از ادامه کارشان جلوگیری و شدیداً به آنان تذکر داده شود.

۵. با توجه به اینکه نمونه‌هایی دیده شده که این افراد بدون اطلاع مقامات انتظامی و ساواک به طور مخفیانه منطقه را ترک و پس از مدتی مراجعت می نمایند لذا به نحو مقتضی ترتیبی داده شود تا از این عمل آنان جلوگیری به عمل آید.

۶. از شرکت‌های مسافربری منطقه خواسته شود در جریان مسافرت‌های افراد موردنظر قرار گرفته و به موقع مقامات مسئول را در جریان بگذارند.

۷. به هر نحو مقتضی می‌دانند نسبت به ایجاد نمودن محدودیت‌های لازم جهت این افراد اقدام گردد. مدیرکل اداره سوم ثابتی «(مراسان، ۲۵۵۴: ۲۱).

بنابراین در اسناد ساواک علت تبعید مخالفان بیان شده، به طوری که اداره کل سوم ساواک در تاریخ ۱۳۵۲/۶/۱۵ به کلیه ساواک‌ها درباره شیخ احمد بیگدلی آذری (آذری قمی) دستور می‌دهد: «نامبرده بالا یکی از روحانیون ناراحت و اخلاک‌گر و طرفدار خمینی در شهرستان قم بوده که در فعالیت‌های ضد امنیتی و تحریک طلاب علوم دینی و متعصبین مذهبی به شورش و بلوا دخالت داشته که به همین جهت وضعیت یادشده در کمیسیون امنیت اجتماعی مورخه ۱۳۵۲/۵/۲۲ [۱۳] شهرستان قم مطرح و نتیجتاً به سه سال اقامت اجباری در برازجان محکوم گردیده که در حال حاضر متواری می‌باشد. علی‌هذا خواهشمند است دستور فرمایید با بسیج کلیه عوامل و پرسنل مربوطه هواداران آموزش‌های لازم به منابع و همکاران افتخاری و با همکاری مقامات انتظامی محل نسبت به شناسایی، بازداشت و اعزام مشارالیه از طریق مقامات انتظامی به شهرستان قم اقدام تا ترتیب اعزام وی به محل مورد نظر داده شود و از نتیجه این اداره کل را آگاه سازند. مدیرکل اداره سوم ثابتی «(مراسان، ۱۷۸۹: ۳۷).

ممانعت از ارتباط با تبعیدی‌ها

یکی دیگر از اقدامات ساواک در برخورد با تبعیدی‌ها این بود که تلاش می‌کرد از تردد افراد به منازل افراد تبعیدی سرشناس جلوگیری نماید. این موضوع در اسناد منعکس شده است و در

بولتن ویژه سازمان اطلاعات و امنیت کشور در خصوص وضعیت مسکن امام خمینی در قم و اقامت آیت‌الله مرتضی پسندیده در منزل وی و تبعید نامبرده (آیت‌الله پسندیده) از قم طبق رأی کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم اشاره شده و در بخشی از این بولتن به پیشنهاد ساواک مبنی بر ممانعت از تردد مردم به منزل وی آمده است که: «متعاقب حوادث اخلاک‌گرانه حوادث ۱۹ و ۲۰/۳/۳۷ [۲۵] که منجر به کشته شدن شش نفر از اخلاک‌گران گردید، مرتضی پسندیده که یکی از محرکین حوادث فوق تشخیص داده شده بود طبق رأی کمیسیون اجتماعی شهرستان قم به سه سال اقامت اجباری در انارک نائین محکوم گردید که بعداً محل اقامت وی به فریدن اصفهان تغییر یافت و اکنون در این شهر اقامت دارد. به دنبال تبعید مرتضی پسندیده در منزل مذکور کسی ساکن نشده و فقط یک سرایدار در این منزل مقیم می‌باشد. ضمناً چندی قبل دو نفر خبرنگار خارجی از منزل خمینی در شهر قم بازدید کرده‌اند که این موضوع قبلاً به استحضار رسیده است. در حال حاضر افرادی به منزل مشارالیه رفت‌وآمد می‌کنند، اما کسی که بتواند مراجعه‌کنندگان را نسبت به اقدام خاص تحریک یا رهنمون نماید، در این خانه نیست و لذا ظاهراً تردد‌ها نمی‌تواند موجب خاصی برای انجام تحریکات باشد. مع‌هذا در صورت تصویب شهربانی قم اعلام شود اینک که شخص بخصوصی در منزل مذکور سکونت ندارد به نحو مقتضی از تردد به آنجا ممانعت به عمل آید».

در بخشی از بولتن ویژه دیگر با عنوان: اظهارات نماینده آیت‌الله شریعتمداری در تاریخ ۱۳۵۷/۵/۱۸ آمده است: «آیت‌الله سید صادق روحانی که تحت نظر می‌باشد، می‌تواند در آینده یعنی بعد ماه رمضان و مراجعت طلاب به قم، موضوعی برای بروز ناراحتی گردد. عقیده دارد به نحو مقتضی کوشش در جلب وی شود تا از موضوع مخالفت عدول نماید و یا اینکه طی این یک ماه جاری از قم به جای دیگر تبعید شود» (مراسن، ۱۰۲۱: ۴۸-۴۶).

مشکلات اجتماعی و اقتصادی تبعیدشدگان

پس از تبعید فرد موردنظر، مشکلاتی برای خانواده آنها ایجاد می‌گردید؛ ازجمله این مشکلات اینکه خانواده فرد تبعیدی همراه وی به محل جدید منتقل می‌شد و فرد شغل خود را از دست می‌داد و گرفتاری مالی پیدا می‌کرد و به نحوی می‌توان گفت خانواده وی نیز مجازات می‌شدند. در اسناد و مکاتب می‌توان این مشکلات اجتماعی را دید، به‌طوری‌که در نامه‌ای که همسر آذری

قمی به فرح پهلوی می‌نویسد به برخی از مشکلات و گرفتاری‌ها اشاره می‌نماید. در این نامه یادآور می‌شود که اولاً جرم همسرش برای وی معلوم نیست و در حالی که برازجان همراه شوهرش می‌رود که خودم مریض و علیل می‌باشم و در ادامه نامه بیان می‌دارد فرزندی دارم که از سن هجده سالگی به بیماری عصبی مبتلا و هر ما یک بار باید به دکتر در تهران مراجعه نماید. اکنون با نهایت مشقت در برازجان زندگی می‌کنم و سایر فرزندان در قم هستند که مرتباً بایستی به آنان رسیدگی نمایم. وی درخواست دارد محل تبعید وی به شهری نزدیک قم تغییر یابد (مراسان، ۱۷۸۹: ۷۶).

بنابراین علاوه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی، وضعیت بهداشت و درمان یکی دیگر از مشکلات بود که تبعیدی‌ها گرفتار آن بودند، به‌طوری‌که پرویز ثابتی به‌عنوان مدیرکل اداره سوم ساواک در تاریخ ۱۳۵۳/۵/۲۹ درباره آذری قمی به ساواک استان بوشهر دستور می‌دهد: «روز ۱۳۵۳/۵/۵ [۱۳] کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم تشکیل و محل اقامت اجباری وی شهرستان نائین تغییر نموده است. نظر به اینکه یادشده برابر گواهی اداره بهداری برازجان و تأیید پزشک متخصص در ناراحتی به‌سر می‌برد و می‌بایست در هوای معتدل و نسبتاً مرطوب زندگی نماید. لذا خواهشمند است دستور فرمایید با شخص موردبحث تماس چنانچه یادشده تمایل دارد بقیه مدت اقامت اجباری خود را در شهرستان رودسر طی نماید موافقت کتبی مرقوم و تسلیم دارد تا در مورد تغییر محل او اقدام گردد. مدیرکل اداره سوم ثابتی ۱۳۵۳/۵/۲۹» (مراسان، ۱۳۵۴: ۳۴؛ مراسان، ۱۷۸۹: ۱۰۱ و ۹۸).

وضعیت بهداشت مناطق تبعیدشده از زندان بدتر بود. حکومت پهلوی در سال ۱۳۵۲ قریب سی نفر از روحانیون هوادار امام خمینی را از قم به نقاط دورافتاده و بد آب‌وهوای کشور تبعید کرد. آیات: ربانی املشی، مشکینی، آذری قمی، جنتی، گرامی، خزعلی، خلخالی، ربانی شیرازی، واعظ طبسی از جمله تبعیدشدگان بودند. آیت‌الله ربانی املشی به مدت سه سال به شوشتر تبعید گردید و روز ۲۵ مرداد همان سال به تبعیدگاهش اعزام شد. در بدو ورود او به محل اقامت اجباری به منزل آیت‌الله سید محمدحسن آل طیب جزایری روحانی و مرجع دینی حالی شوشتر وارد گردید و سپس با اجاره منزلی به همراه اعضای خانواده خویش در آن دیار غربت رحل اقامت افکند. وی در خاطراتش از آن روزها هرچند از محبت‌های آیت‌الله آل طیب و یکی از فرهنگیان آن شهر به نیکی یاد می‌کند اما گویا در این شهر بر وی بسیار سخت گذشته است، لذا تعریف

می‌کرد: «در شوش هوا خیلی گرم بود، محیط هم از نظر ظاهری خیلی آلوده و کثیف بود. فاضلاب دستشویی‌ها و توالت‌ها معمولاً در کوچه‌ها جریان داشت و از این نظر بر من خیلی سخت می‌گذشت و امکانات هم نداشتم، اگر فرضاً می‌توانستم امکانات فراهم نمایم شخصاً میل نداشتم که از مردم آنجا راحت‌تر باشم، لذا در آنجا بیش از جاهای دیگر سخت گذشت و حتی به یاد می‌آوردم که زندان‌ها برایم از آن تبعید خیلی راحت‌تر بوده است» (ربانی املشی: ۱۱).

بنابراین فراهم نبودن امکانات اولیه برای تبعیدشدگان باعث اعتراض آنان گردیده و به‌طوری‌که برخی از آنان با آیات عظام مکاتبه کردند و در مکاتبه ساواک قم با اداره کل سوم در تاریخ ۱۳۵۷/۴/۲۱ در خصوص تبعیدشدگان به انارک نائین آمده است که روز ۳۷/۴/۳۰ [۲۵] تلگرافی به امضای ناصر مکارم، سید احمد خراسانی، عباس ضیغمی، سید هادی خسروشاهی و سید احمد کلانتر از انارک به قم جهت شریعتمداری و گلپایگانی مخابره شده و کسب تکلیف نموده‌اند که چون به خواسته‌هایشان توجه نشده به قم حرکت کنند (مراسان، ۸۰۷۴۵). در این تلگراف اشاره شده که پنجاه نفر از علما و وعاظ بدون هیچ مجوز شرعی و بدون رعایت موازین قانونی در تبعیدگاه‌ها به‌سر می‌برند که سخت بد آب‌وهوا و فاقد وسایل اولیه زندگی است و گویا سلامتی و وقت و فکر و اندیشه این گروه کثیر از علما برای آنها اهمیت ندارد. در پایان تلگراف اجازه خواسته‌اند که به سمت قم حرکت نمایند (مراسان، ۸۰۷۴۵ و ۸۳۷۰۳).

نامناسب بودن محل تبعید نیز در گزارش‌های ساواک منعکس شده است، به‌طوری‌که در یکی از گزارش‌ها درباره عناصر تبعیدشده آمده است که ۲۵ نفر از روحانیون اخلاک‌گر منطقه قم به نقاط مختلف کشور تبعید گردیدند. عناصر تبعیدشده نسبت به رأی صادره تقاضای پژوهش‌خواهی نمودند که پرونده آنان جهت رسیدگی دادگاه شعبه ۱۵ تهران ارجاع گردیده، دادگاه مذکور به‌طور متناوب سوابق و مدارکی که علیه نامبردگان در زمینه اخلال در نظم عمومی موجود بود از ساواک خواستار گردید و مقرر گردید بخش مستقل قضایی، با وزیر دادگستری در مورد وضعیت افراد مذکور مذاکره نماید.

طبق اظهار رئیس بخش مستقل قضایی، با وزیر دادگستری و مسئولین آن وزارتخانه در مورد سوابق افراد مذاکره به عمل آمد و مسئولین مربوطه اظهار نموده‌اند مناطق تعیین‌شده برای عناصر اخلاک‌گر در کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم براساس ضوابط قانونی نبوده و می‌بایستی

محل تبعید آنان به یکی از نقاط لیست پیوست تغییر یابد که در این باره اوامر صادره از طریق بخش مستقل قضایی دایر بر تغییر محل اقامت این افراد به این بخش ابلاغ گردیده است. در بررسی وضعیت مناطق تعیین شده که جمعاً هجده منطقه می باشد مشخص گردیده سه منطقه (نور، مشکین شهر، گلپایگان) به سبب اینکه اکثر اهالی آن از متعصبین مذهبی می باشند، مناسب نمی باشد و در شهرستان های خلخال و تویسرکان نیز دو نفر از افراد تبعیدی (جزو ۲۵ نفر نمی باشند) اقامت دارند و شهرستان ایرانشهر و چاه بهار نیز در اجرای اوامر صادره نمی بایست محل تبعید عناصر اخلاک گر تعیین گردد. با این ترتیب یازده منطقه باقی می ماند که می بایست با احتساب ۲۵ نفر تقریباً در هر منطقه دو نفر اقامت داده شوند (آیت الله حاج شیخ مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

به هر حال وضعیت نابسامان تبعیدشدگان باعث اعتراض برخی نمایندگان مجلس شورای ملی هم شده و در مکاتبه احمد بنی احمد در اعتراض به تبعید برخی افراد آمده که در بین تبعیدشدگان افراد بالای هشتاد و نود سال وجود دارد و گناه برخی از تبعیدی ها اعتراض به روزنامه اطلاعات بوده است و برخی را به جرم برپایی مجلس ترحیم تبعید کرده اند (مراسان، ۱۳۶۷: ۸). علاوه بر واکنش به وضعیت اقتصادی و اجتماعی تبعیدی ها، در یکی از گزارش های ساواک به سیاست رژیم برای دور کردن رهبر مبارز به خارج از کشور اشاره شده است به گونه ای که در واپسین روزهای حکومت پهلوی در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۵۷ در گزارشی آماده است که عباس وفائی ضمن سخنرانی در وسط خیابان در روز تاسوعا برای مستمعین با صدایی بلند اظهار نموده است که ما این ستمگر که خود را رهبر ایران می داند نمی خواهیم، رهبری که ما در نظر گرفته ایم از ایران تبعید شده است، ما آن شخص را به رهبری مسلمانان انتخاب می کنیم. رهبر ما حضرت آیت الله موسوی خمینی می باشد ما رهبر مشروب خور و ستمگر و آدمکش نمی خواهیم ما رهبری می خواهیم که بر ما حکومت کند که حق اسلام را به کافران نفروشد، بالاخره تا استقلال به دست ما نیفتد از پای نخواهیم نشست و ما باید مانند امام حسین کشته شویم (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۱۹، ۱۳۸۴: ۳۲۳).

رفتار ساواک پس از پایان دوره تبعید

برخورد ساواک با تبعیدی‌ها پس از اتمام دوره تبعید قابل ملاحظه است، به طوری که تمام فعالیت‌های آنها و افراد مرتبط با آنان، تحت کنترل و شناسایی قرار می‌گرفتند. در سندی با موضوع «تبعیدشدگان» که در اسناد اداره کل سوم ساواک در تاریخ ۱۳۵۵/۷/۱ می‌توان دید عنوان شده: «با توجه به اینکه افرادی که مدت تبعید آنان خاتمه پیدا کرده و به محل سکونت خود مراجعت می‌کنند می‌بایستی دقیقاً تحت نظر قرار گیرند. علی‌هذا خواهشمند است دستور فرمایید اعمال و رفتار و تماس‌های احمد بیگدلی آذری توسط منابع و امکانات موجود زیر نظر قرار داده و در صورت امکان سعی شود افرادی که با این قبیل اشخاص کمک مالی می‌نمایند شناسایی و نتیجه را به این اداره کل اعلام نمایند. مدیرکل اداره سوم ثابتی ۵۳/۵/۲۹» (مراسان، ۱۷۹۰: ۴).

فردوس رئیس ساواک سمنان در گزارشی به اداره کل سوم ساواک در تاریخ ۱۳۵۶/۲/۱۷ درباره فعالیت یکی از روحانیون اظهار می‌دارد که چون در مورد رویه قبلی وی هیچ‌گونه اقدامی صورت نگرفته، لذا این امر باعث تجری بیشتر وی شده، به طوری که در خیابان و کوچه با صدای بلند نسبت به مقام شامخ سلطنت اهانت و عده‌ای نیز به دور خود جمع می‌نماید. در ادامه این سند درخواست می‌نماید که مقرر فرمایید از نتیجه اقدامات انجام‌شده این سازمان را آگاه سازید. همان‌طور که قبلاً خاطرنشان شد هدف هیئت حاکمه از تبعید مخالفان و مبارزان جلوگیری از گسترش دامنه فعالیت‌ها و اعتراضات و مبارزات بود، اما در عمل تبعیدی‌ها خود به حامل و پیام‌رسان مبارزان علیه رژیم تبدیل شدند و دامنه مبارزات را به تبعیدگاه‌ها کشاندند. ساواک نیز سعی می‌کرد از انتقال برخی افراد به برخی مناطق که ایجاد حساسیت می‌کرد خودداری نماید، به طوری که در مکاتبه پرویز ثابتی، مدیرکل اداره سوم ساواک با ساواک تهران درباره برخی افراد در تاریخ ۱۳۵۶/۲/۲۵ این موضوع را به خوبی می‌توان مشاهده نمود. اداره کل سوم در این مکاتبه درباره تبعید آنها به برخی مناطق مخالفت و خاطرنشان می‌نماید «برخی شهرها از موقعیت حساسی برخوردار است، لذا اعزام این افراد را به آن منطقه به مصلحت نمی‌باشد» (مراسان، ۲۵۵۸: ۳۷-۳۸). ساواک حتی برخی از اعضای خانواده تبعیدشدگان را احضار کرده به آنان تفهیم کرد که کنترل اعمال و رفتار فرد مبارز بعد از دوره محکومیت با آنان خواهد بود، چنانچه در این مورد قصور صورت گیرد مورد مواخذه قرار خواهند گرفت (مراسان، ۲۵۵۸: ۴۱).

تداوم تبعیدی‌ها با رحلت مصطفی خمینی

در پی تشدید مبارزات پس از رحلت مصطفی خمینی و برپایی مجلس ترحیم در شهرهای مختلف، روحانیون مبارز خراسان نیز با برگزاری مجالس سخنرانی، صدور اعلامیه به افشاگری علیه رژیم پرداختند و این اقدامات باعث شد که سازمان اطلاعات و امنیت خراسان در تاریخ ۱۳۵۶/۹/۱۲ در گزارشی به اداره کل سوم با موضوع دستگیری روحانیون مخالف پیشنهاد نماید: «با توجه به فعالیت‌هایی که اخیراً به نفع خمینی به طرفداری از افکار دکتر شریعتی صورت گرفته و به صورت نصب شعارهای مضره و پخش اعلامیه‌ها، در منابر و مراکز عالی آموزشی مشهود گردید، در نظر است به منظور مقابله با عوامل مذکور عده‌ای از طرفداران خمینی و متعصبین مذهبی من جمله (سید علی خامنه‌ای، شیخ علی مرادخانی ارنگه مشهور به تهرانی، حسین عمادی) و چند نفر دیگر از ابادی آنان دستگیر و منازل آنان مورد بررسی واقع و در صورت کشف مدارک مضره تحت تعقیب قرار گیرند. خواهشمند است دستور فرمایید نظریه آن اداره کل را در این مورد اعلام دارند. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت خراسان شیخان» (مراسان، ۵۷۶: ۲۶).

ثابتی مدیرکل اداره سوم در تاریخ ۱۳۵۶/۹/۲۱ در جواب مکاتبه مذکور دستور می‌دهد کمیسیون امنیت اجتماعی تشکیل و سه نفر روحانی به شهرهای بد آب‌وهوا تبعید گردد (پرونده ساواک آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، ش.بازیابی ۵۷۶: ۲۷) به دنبال آن ساواک خراسان در گزارشی به اداره کل سوم خامنه‌ای را به ایرانشهر به مدت سه سال، علی تهرانی به چابهار و حسین عمادی به سیرجان محکوم و تبعید می‌کند (مراسان، ۵۷۶: ۲۸).

ساواک پس از تبعید مخالفان به علل تبعید مبارزان در گزارش‌های خود اشاره می‌نماید و در صورت جلسه ۱۳۵۶/۹/۲۳ علت محکومت و تبعید آن سه نفر آمده است، به عنوان نمونه درباره سید علی خامنه‌ای بیان می‌دارد: «سید علی خامنه‌ای شغل مدرس حوزه علمیه مشهد نامبرده دارای عقاید افراطی است و سال‌ها با استفاده از مسجد و منبر و کلاس درس و حوزه‌های مذهبی جوانان را گمراه و افکار مخرب در ذهن جوانان و طلاب علوم دینی وارد می‌نماید. سوابق و اعمال نامبرده یک‌بار منجر به بازداشت وی گردیده و باز هم به این قبیل اعمال ادامه می‌دهند» (مراسان، ۵۷۶: ۳۱-۳۲).

در سندی دیگر به عامل تبعید یکی دیگر از مبارزان اشاره شده که بعد از واقعه قم دامنه فعالیت-های وی بیشتر شده، بنابراین دستور دستگیری و تبعید نامبرده صادر شده است، به طوری که پرویز ثابتی در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۴ درباره فعالیت علی اصغر مروارید پس از اتمام دوران تبعید بیان می‌دارد: «نامبرده بالا که پس از مراجعت از تبعید به کار بسازوبفروش مشغول گردیده، اخیراً به دنبال وقایع چند روز گذشته قم، دست به تحریکات دامنه‌داری در غرب تهران زده و با کوشش‌های او منابر تعطیل و نماز جماعت انجام نشده است. خواهشمند است دستور فرمایید با تشکیل کمیسیون امنیت اجتماعی درباره تبعید و دستگیری و اعزام مشارالیه به محل اقامت اجباری اقدام مقتضی معمول و نتیجه را اعلام نمایند. مدیرکل اداره سوم ثابتی» (مراسان، ۲۵۳۱: ۱۱۰).

به هر حال ساواک برخی بولتن‌های نوبه‌ای را شش ماه یک‌بار منتشر می‌کرد و در این بولتن‌ها به حوادث مختلفی اشاره می‌نماید، به طوری که در یکی از بولتن‌ها با عنوان بولتن نوبه‌ای از تاریخ ۱۳۵۶/۶/۲۳ تا ۱۳۵۶/۱۲/۲۳ به موضوع تبعید مخالفان که از آنها با عنوان «افراطیون مذهبی» یاد می‌کند، بیان می‌نماید که در شش ماه گذشته ۲۵ نفر از روحانیون اخلاک‌گر و افراطیون مذهبی که در تحریک متعصبین به انجام فعالیت‌های اخلاک‌گرایانه و بستن مغازه‌ها به پشتیبانی از حوادث دی ماه شهر قم نقش داشته‌اند، طبق رأی کمیسیون امنیت اجتماعی شهرهای قم، مشهد، شیراز، ایلام، رفسنجان و نقده به نقاط دیگر کشور تبعید شده‌اند (حوزه هنری، ۱۳۷۱: ۲۴۰).

در بولتن ویژه‌ی دیگر درباره روحانیون و عاظ تبعیدی به نقاط مختلف کشور در تاریخ ۱۳۵۷/۴/۱۴ توسط ساواک منتشر شد گزارشی آمده که: در قم و برخی دیگر نقاط کشور متعاقب حوادث اخلاک‌گرانه که در یک سال اخیر به وقوع پیوست منجر به کشته شدن چندین تن از اخلاک‌گران گردید، افراطیون مذهبی، به ویژه طرفداران خمینی با دامن زدن به احساسات مذهبی مردم، تلاش‌هایی در جهت استمرار فعالیت‌های اخلاک‌گرایانه و بهره‌برداری از این فعالیت‌ها به منظور کشاندن سایر قشرهای اجتماعی به سوی این گونه فعالیت‌ها معمول داشتند. در نتیجه این تلاش‌ها که تقریباً جنبه مستمر داشته، حوادث اخلاک‌گرانه قوی در چهلمین روز کشته‌شدگان حوادث اخلاک‌گرانه دی‌ماه ۳۶ قم در شهر تبریز و در پی آن در شهرهای یزد، جهرم و اهواز و مجدداً روزهای ۱۹ و ۳۷/۳/۲۰ در شهر قم تکرار گردید.

این فعالیت‌ها در ۱۵ خرداد و متعاقب آن در ۱۳۷۳/۳/۲۷ (چهلمین روز کشته‌شدگان حوادث قم) به صورت تعطیل بازار و مغازه‌های تعدادی از شهرهای کشور تجلی یافت. در ادامه این بولتن به مسئله تباعد افراطیون اشاره می‌نماید که در فاصله زمانی مذکور تعداد ۶۳ نفر از روحانیون اخلاک‌گر و افراطیون مذهبی که به نحوی در این فعالیت‌ها دخالت داشتند، طبق آراء کمیسیون‌های امنیت اجتماعی به محکومیت‌های از یک تا سه سال اقامت اجباری در مناطق دیگر کشور محکوم گردیدند و آراء کمیسیون‌های مذکور در مورد آنها به مورد اجرا گذارده شده است.

بنابر گزارش این بولتن، تباعد عناصر مذکور همواره وسیله و مستمسکی برای تبلیغات انحرافی عناصر گروه‌های مخالف بوده است. از طرفی فعالیت‌های اخلاک‌گرانه عناصر تبعیدی فوق از لحاظ شدت و کیفیت به یک درجه و نسبت نبوده است، لذا افراد مورد بحث برحسب سابقه و شدت فعالیت‌ها در دو گروه جداگانه طبقه‌بندی شده‌اند. عناصری که فعالیت‌های آنها علیه امنیت منطقه درجه یک تشخیص داده شده، کسانی می‌باشند که از طرفداران جدی خمینی و افراطیون بوده و در مساجد و منابر و یا از طریق صدور اعلامیه و با طریق دیگر مردم را علیه نظم و امنیت منطقه تحریک نموده و حوادثی به وجود آورده‌اند. کسانی که درجه ۲ تشخیص داده شده‌اند افرادی هستند که در منابر مطالب نامناسبی در تأیید تلویحی از امام خمینی بیان نموده و یا از برخی مسائل مملکتی انتقاداتی کرده‌اند که عمل آنها تحریک‌آمیز تلقی شده است، ولی اعمال آنها به شدت اعمال عناصر درجه یک نبوده است (حوزه هنری، ۱۳۷۱: ۲۴۰).

فعالیت تبعیدی‌ها

موضوع دیگری که باعث حساسیت ساواک شد، فعالیت‌های تبعیدی‌ها در تبعیدگاه‌ها بود. تبعیدی‌های شهرهای ایران شهر سعی می‌کردند از مساجد و منبر به تبلیغ بپردازند و مساجد در شهرهای کوچک به عنوان یکی از پایگاه‌های انقلاب درآید. بنابر گزارش ساواک پس از تباعد آیت‌الله خامنه‌ای به ایران شهر، وی در مسجد شیعیان آن شهر به اقامه نماز پرداخت و در فاصله اندکی نمازگزاران آن تا دویست نفر افزایش یافت. وی در خلال اقامه نماز به ایراد سخنرانی پرداخته و به تدریج توجه جوانان را به خود جمع کرده است. درحالی که ۶۰ درصد مردم این شهر اهل سنت هستند.

در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۶ در گزارشی به اداره کل سوم با عنوان «سخنرانی روحانیون تبعیدی» چنین آمده است: «در مسجد آل رسول (مسجد شیعیان ایرانشهر) پس از برگزاری نماز عشا و مغرب روحانیون مقیم ایرانشهر مبادرت به سخنرانی و بحث و گفت و گو پیرامون مسائل دینی می- نمایند و افراد شیعه‌مذهب ساکن ایرانشهر از این برنامه‌ها استقبال قابل توجهی نموده و در این جلسات به‌طور مستمر شرکت می‌نمایند. یکی از روحانیون تبعید به نام خامنه‌ای در تاریخ ۵۷/۱/۲۵ ضمن بحث و سخنرانی اظهار داشت مردم خواب نباشد و یک عده از هم دین‌های شما از گرسنگی می‌میرند و عده‌ای دیگر از سیری می‌ترکند» (مراسان، ۵۷۶: ۶۲). به دنبال این گزارش، پرویز ثابتی در دستوری به ساواک سیستان و بلوچستان دستور می‌دهد که به‌وسیله شهربانی به این روحانیون تذکر دهند که از اظهار چنین مطالبی خودداری نمایند و ضمناً مراقبت از این افراد ادامه دهند (مراسان، ۵۷۶: ۶۳).

آیت‌الله ربانی املشی ازجمله روحانیون تبعیدی به شوشتر بود که مردم این شهر در آغاز اقبال خوبی به او نشان دادند. وی یک‌بار در مسجد عبدالله بالا شوشتر به منبر رفت و درباره جنگ اعراب و اسرائیل سخن گفت، اما همین که شهربانی شدت عمل به خرج داد، رفت‌وآمد مردم با ایشان کم شد. ساواک به شهربانی مناطقی که روحانیان مبارز در آنجا اقامت گزیده بودند دستور داده بود به‌شدت آنان را تحت نظر بگیرند و فعالیت و ارتباط مردم با آنها جلوگیری شود. هنگامی که این روحانی خواست در مدرسه علمیه شوشتر، که تحت نظر آیت‌الله طیب اداره می‌شد، به تدریس پردازد، ساواک خوزستان مانع از تدریس ایشان گردید و به طلابی که قصد داشتن از محضر وی استفاده کنند، سخت هشدار داده شد.

در اردیبهشت ۱۳۵۲ محل اقامت اجباری وی از شوشتر به فردوس در استان خراسان تغییر کرد. جاذبه معنوی و نفوذ کلام وی باعث شد تا مردم فردوس، معلمان، فرهنگیان دانش‌آموزان و کارمندان ادارات خیلی سریع نسبت به وی تمایل پیدا کنند. بنابر یکی از گزارش‌های ساواک خراسان به سبب شرکت ربانی در نماز جماعت شمار نمازگزاران از سی به سیصد نفر افزایش یافت.

مردم فردوس آن‌چنان شیفته و جذب ایشان شدند که ساواک خراسان از اداره کل سوم ساواک تقاضا کرد هرچه سریع‌تر آیت‌الله ربانی املشی به شهر دیگر منتقل گردد. اداره کل سوم چون می‌دانست روحانیان مبارز به هر نقطه‌ای از ایران تبعید گردند مردم مسلمان به دور آنها جمع

می‌شوند به‌ناچار شهربانی فردوس دستور داد مانع از برگزاری نماز جماعت توسط آیت‌الله املشی گردد و حتی از تردد ایشان به مسجد جلوگیری شد (آیت‌الله حاج شیخ مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۱۱). ازجمله کارکردهای افراد تبعیدشده به مناطق دورافتاده این بود که فقر و محرومیت این مناطق به‌وسیله افراد تبعیدشده به مراجع و مردم مناطق دیگر بازگو می‌شد و این مناطق دورافتاده به پایگاه وعظ و خطابه و سنگری برای مبارزه و پخش اعلامیه گروه‌های مبارز تبدیل گردید.

بنابر گزارش‌های ساواک، تبعید مبارزان باعث اشاعه شعارهای ضد میهنی و مملکتی شده و حتی وجود آنها در مناطق دورافتاده باعث تحریک دانشجویان، کسبه و مغازه‌داران شد که محل کار خود را تعطیل کنند (آیت‌الله حاج شیخ مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۳۴۸). در گزارشی در تاریخ ۱۳۵۷/۶/۷ در خصوص سخنرانی وعاظ تبعیدی ازجمله محمد مهدی ربانی رانکوهی بیان شده که وی در مسجد جامع شهرستان جیرفت در بلندگو ضمن تفسیر قرآن مجید سخنان تحریک‌آمیز بیان داشته و نامی از روح‌الله خمینی به میان آورده و مستمعین صلوات فرستاده‌اند. بنابر نظریه ساواک منظور نامبرده ترغیب و تشویق جوانان به پیروی از عقاید خود می‌باشد (مراسان، ۱۳۳۳: ۱۲). به‌هرحال نکته دیگر در مورد تبعیدی‌ها این بود که آنان مورد استقبال مردم قرار می‌گرفتند و بنابر گزارش ساواک از آنها استقبال گرمی صورت گرفته و پذیرایی می‌کردند (مراسان، ۱۳۷۲: ۸۵).

در گزارش دیگری، ساواک کرمانشاه به مدیریت اداره کل سوم در خصوص تبعید محمد یزدی به شاه‌آباد غرب آمده است که چون تعدادی از جوانان شهرستان قم مستعد فریب خوردن هستند و پیش‌بینی می‌شود این شیخ از سادگی و بی‌تجربگی آنان استفاده و مواردی نظیر قم در این محل به وجود آورد. و پیشنهاد شده که وی را به کرند غرب که عموم آن اهل حق هستند، تبعید گردد (مراسان، ۱۴۴۳: ۳).

وسعت دامنه فعالیت‌های مبارزان و مخالفان رژیم پهلوی باعث شد که ساواک گزینه تبعید را انتخاب کند و آنها را به تبعیدگاه‌های مختلف ازجمله انارک، رفسنجان، لار، بانه، بندر لنگه، سقز، شوشتر، سردشت، جیرفت، سنندج، شاه‌آباد غرب، سیرجان، ایذه، میاندوآب، مشکین‌شهر، پیرانشهر، اهر، سراوان، نقده، اقلید، مریوان، زابل، دره گز، یاسوج، پاوه، دیواندره، چابهار، تربت‌حیدریه، رضائیه، بافت، بیجار، نورآباد ممسنی، گنبد کاووس، داران، خمین، برازجان... تبعید

نماید. تنوع جغرافیایی و مبدأ و مقصد این تبعیدها و انتقال مکرر آنها به تبعیدگاه‌های جدید باعث شد که این شهرها در جریان فعالیت‌های مخالفان رژیم قرار گیرند صرف‌نظر از تعداد تبعیدی‌ها، همین تبعید افراد باعث شد که جریان مبارزه به سایر شهرهای دورافتاده نیز منتقل گردد.

نتیجه‌گیری

از مطالعه اسناد و مدارک اداره کل سوم ساواک در برخورد با تبعیدی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مبارزه مخالفان با وضع موجود علیه رژیم پهلوی باعث تبعید آنها گردید، و تبعیدی‌ها در هنگام تبعید به محل‌های تبعید از منبر جهت تبلیغ و فعالیت‌های سیاسی خود و رسیدن به مقاصد بهره‌برداری می‌کردند. هرچند در ابتدا به وجود فرد تبعیدی در محل، یک نوع نگاه بدی می‌شد و اما به مرور و با ارتباطات مبارزان با آنها زمینه لازم فراهم شد از بی‌اعتمادی اهالی کاسته می‌شد و علت تبعید آنها برای محله جدید مشخص می‌شد، و تا جایی که آنان به پیش‌نمازی مساجد انتخاب می‌شدند و به ایراد سخنرانی می‌پرداختند. فعالیت‌های برخی مخالفان در تبعیدگاه‌ها باعث شد که چند بار محل تبعید آنها تغییر نماید.

نکته دیگر اینکه وجود تبعیدی‌ها در شهرهای مختلف باعث رشد فرهنگی تبعیدگاه‌ها شد و وضع فرهنگی و سیاسی کشور از طریق این تبعیدی‌ها برای مردم بیان می‌شد. حضور تبعیدی‌ها در تبعیدگاه‌ها باعث برپایی تظاهرات در این مکان‌ها می‌شد که سخنرانان آن تظاهرات نیز خود آنها بودند. مسئله دیگر در ارتباط با تبعید این بود که بسیاری از افراد از شهرهای مختلف به دیار تبعیدهای می‌رفتند و این اقدام باعث تقویت و افزایش روحیه مبارزان و مخالفان پهلوی می‌شد و اداره کل سوم ساواک چاره‌ای جز برخورد و تبعید مجدد نداشت. تبعید مخالفان به مناطق مختلف کشور باعث شد که زمینه برای اعتراضات و ایجاد تحول فکری در نقاط دورافتاده فراهم شود و اقدامات دستگاه حاکمه را به چالش بکشد، به‌نحوی که می‌توان گفت تبعیدی‌ها از زمینه‌سازان سقوط رژیم پهلوی و ظهور یک نظام جدید شدند.

کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مَراسان)، ش. بازیابی: ۱۷۹۰؛ ۱۷۸۹؛ ۲۵۵۴؛ ۲۵۵۸؛ ۸۷۹؛ ۵۷۶؛ ۲۵۳۱؛ ۱۰۲۱؛ ۱۱۱۰؛ ۱۰۵۷؛ ۸۰۷۴۵؛ ۸۱۴۴۳؛ ۸۳۷۰۳؛ ۸۳۳۳۲.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۱۹، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۴.

یاران امام به روایت اسناد ساواک، شرح مبارزات حضرت آیت الله محمد مهدی ربانی املشی، کتاب ۲۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰.

ب) کتاب

حسینیان، روح الله، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران (۱۳۵۶-۱۳۴۳)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: چاپ سیروس، ۱۳۳۵.

روح بخش الله آباد، رحیم، شبکه پیام رسانی در نهضت امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.

روح بخش الله آباد، رحیم، ساواک و روحانیت، ج ۱ (بولتن های نوبه ای ساواک از ۱۳۴۹/۱۲/۲۵-۱۳۵۷/۶/۳۰)، تهران: سازمان حوزه هنری، ۱۳۷۱.

روح بخش الله آباد، رحیم، خاطرات خاتم یزدی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹.

روحانی، حمید، نهضت امام خمینی، دفتر اول، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۱.

شاهدی، مظفر، ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (۱۳۵۷-۱۳۳۵)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۶.

قانعی فرد، عرفان، در دامگه حادثه (گفتگویی با پرویز ثابتی)، لس آنجلس: شرکت کتاب، ۱۳۹۰.

معین محمد، فرهنگ فارسی، (متوسط، ج اول)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.

نجاری راد، تقی، ساواک، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.

ج) مقاله

روح‌بخش، رحیم، «تبعیدهای نهضت روحانیت: بررسی علل و پیامدهای تبعید روحانیان مبارز»، نشریه زمانه، ش ۵۷، خرداد ۱۳۸۶، صص ۴۷-۵۱.

سادات بیدگلی، سید محمود، «تحلیل مؤلفه‌های تبعید مخالفان سیاسی در دوره پهلوی اول (تبعیدی، تبعیدگاه و علت تبعید)»، فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۷، ش ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۱۱-۱۳۴.

سادات بیدگلی، سید محمود، «تحلیل مجازات تبعید در دوره پهلوی اول»، فصلنامه گنجینه اسناد، س ۲۷، ش ۱۰۸، ۱۳۹۶، صص ۲۰-۴۳.

۰۲۵۵۴۰۲۱

شماره ۳۱۲/۶۳۹۸

تاریخ ۰۲/۱/۳۱

به ریاست ساواک

از: اداره کل سوم (۳۱۲)

در باره: افراد طـ

با توجه به اینکه افراد یکمطابق فعالیت‌های ضد امنیتی با ایجاد بنوا و آشوب از محل‌های اقامت خود با تشکیل کمیسیون امنیت اجتماعی طرد میگردد اصولاً ۳ فردی، ناراحت بود بود احوال رصد و دنبال نمودن فعالیت‌های مفرقه‌ی خود میباشند و تجمیع نشان داد مابین عناصر پس از تبعید دست از فعالیت برنداشتند و کم‌جری تر شدند و مترصد اوضاع زمان و مکان هستند تا بفرصت خود وانکاری کنند و بهر مورد اری نمایند، لذا خواهشمند است دستور فرمائید با همکاری ژاندارمری و شهبازی بانی محل نسبت به انجام موارد در باره آنان اقدام و از نتیجه باین اداره مکتوب گردد.

۱- بعضی ورود به منطقه ترقی اتخاذ نمایند تا محلی در نزدیکی شهر بانی با ژاندارمری و یا نزد یک محل سکونت یکی از منابع و یا همکاران افتخاری جهت سکونت آنان در نظر گرفته شود تا کلیه فعل و انفعالات افراد مورد نظر و همچنین تردد و هائیکمان محل میشود تحت کنترل قرار گیرد.

۲- با همکاری مأمورین شهر بانی و ژاندارمری اشخاص تبعید شد مرا احضار و هوا قب و خیم هرگونه فعالیت و عمل خطائی که انجام دهند با آنان گوش زد گردد.

۳- مکاتبات این افراد کنترل و ترقی اتخاذ نمایند تا یکی از منابع و یا همکاران افتخاری بطور مستقیم آنان در دسترس بود مضمون مراقبت دقیق از اعمال و رفتارشان افراد را که محل سکونت آنها تردد و می نمایند و یا از سایر شهرستانها جهت دیدارشان به منطقه می آیند شناسائی نمایند.

۴- بنحوصت از سخنرانی و عضویت آنان در مجالس عمومی جلوگیری و با توجه به اینکه هیچ عنوان یاد شدگان مجالس بعد از نمودن کلاس درس و حشوا و اصولاً شرکت در اینگونه مجالس نمیشدند چنانچه مقصد چنین عملی را نمودند از اداره کارشان جلوگیری و شدیدا آنان تذکره داد میشود.

۵- با توجه به اینکه نمونه‌هایی دید شد که مابین افراد بدین اطلاع مقامات انتظامی و ساواک بطور مخفیانه مطبقه قرار

ترک و پس از مدتی مراجعت می نمایند لذا بنحوصت ترقی داد میشود تا از این عمل آنان شدیدا جلوگیری بعمل آید.

۶- از شرکت‌های صافری منطقه خواسته شود در جریان صافرت‌ها افراد مورد نظر قرار گرفته و موقع مقامات مسئول وادرجریان بگزارند.

۷- بهر نحو که مقتضی میدانند نسبت به ایجاد نمودن محدودیتهای لازم جهت این افراد اقدام گردد.

مدیرکل (۳۱۲) سوم - تابستان

اصل در پرونده هکلاس است.

در پرونده هکلاس با بگانی شود.

۲۱

مکاتبه بخش ۳۱۲ اداره کل سوم ساواک با سازمان اطلاعات و امنیت کشور در خصوص لزوم کنترل اعمال و رفتار و مراسلات افراد تبعیدی و ایجاد محدودیت‌هایی به منظور جلوگیری از ادامه فعالیت‌های سیاسی آنان در محل تبعید خود



۰۱۷۹۰۰۰۴



به ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور
واحدیت قسم (۱۳۰۱ هـ) تحت بررسی
از اداره کل سوم ۱۰۳۰۰ سازمان اطلاعات و امنیت کشور پیوست

در پاره تبعید شدگان

بازگشت بشماره ۲۷۸۸/۲۱-۳۵/۶/۱۴

با توجه باینکه افرادی که مدت تبعید آنان خاتمه
پیدا کرده و به محل سکونت خود مراجعت میکنند
میبایستی دقیقاً تحت مراقبت قرار گیرند. علیهذا
خواهشمند است دستور فرمائید اعمال و رفتار و تماسهای
احمد بیگدلی آذری را توسط منابع و امکانات موجود
زیر نظر قرار داده و در صورت امکان سعی شود افرادی که
باین قبیل اشخاص کمک مالی مینمایند شناسائی و نتیجه
را باین اداره کل اعلام نمایند. ح

مدیرکل اداره سوم - ثابت سی

۵۵/۷/۱

رئیس عملیات - مجتبی

رئیس بخش ۳۱۲ - دبیر

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی - طایفه

شود

کارت ۵۵-۲۵۷
کارت انوار



دستور اداره کل سوم مبنی بر کنترل اعمال و رفتار تبعید شدگان

۱۱۱۰۰۰۱

۴۴

شماره ۱۲۵۲/۵۴۹۱

تاریخ ۵۲/۱/۲۶

از : ساواک تهران ۱۳۵۲

بسمه : ریاست ساواک

در باره: شیخ احمد جنتی لادان فرزند لاسه

نامبرد میلا یکی از روحانیون ناراحت و اخلاک‌پر و طرفدار خمینی و شهرستان قم بود که در فعالیتهای ضد امنیتی و تحریک طلاب علوم دینی و متعصبی مدتی پیشورش و بلوا و خالت داشته که بهمین جهت وضعیت یاد شده در کمیسیون امنیت اجتماعی مورخه ۵۲/۵/۲۲ شهرستان قم مطرح و نتیجتاً به سه سال اقامت اجباری در اردبیل محکوم گردید که در حال حاضر متواری میباشند.

علیهذا دستور فرمائید با بسیج کلیه عوامل و پرسنل مربوطه و ادان آموزشهای لازم بمنابع و همکاران افتخاری و با همکاری مقامات انتظامی محل نسبت به شناسایی و بازداشت مشارالیه اقدام و نتیجه را سریعاً گزارش نمایند تا ترتیب اعزام وی بمحل مورد نظر را پیشبرد شود.

شماره ۵۲/۱/۲۶

رئیس ساواک تهران

۵۲/۱/۲۶

۵۲/۱/۲۶

۵۲/۱/۲۶

۵۲/۱/۲۶

۵۲/۱/۲۶

دستور ساواک تهران به ساواکهای تابعه مبنی بر شناسایی و دستگیری آیت الله احمد جنتی به دنبال متواری شدن وی از محل تبعید خود در اسدآباد (همدان)

۰۱۷۸۹۱۰۴

به ریاست ساواک - قسم ۲۱ / هـ

شماره
تاریخ
پیوست سازمان اطلاعات نیست

درباره: شیخ احمد آذری بهیگدلی، فرزند حسینعلی

بازگشت بشماره ۲۱/۶۰۷۹ هـ - ۵۴/۹/۹

طی نامه شماره ۳۱۲/۵۷۲۹ - ۵۴/۸/۲۰ بساواک استان -
اصفهان اعلام گردیده که نامبرده بالا را احضار نموده و شدیداً بوی
تذکره دهند که پس از اتمام دفتر، به خارج از منطقه مسافرت نکنند و از
ایراد سخنرانی و تحریک اهالی خودداری نمایند. در صورتیکه بخواهد
ببرویه خود ادامه دهد، ضمن آنکه محل اقامت او تغییر داده خواهد
شد، پس از خاتمه محکومیت نیز تبعید او تمدید میگردد. لذا از تاریخ
موصوف تاکنون گزارشی که خلاف رفتار او را نشان دهد و موید کارهای
ناصواب او باشد واصل نشده است. هرآینه، چنانچه ببرویه گذشته
خود ادامه دارد، اقدامات مقتضی معمول خواهد شد و نتیجه باکاهی
آنساواک خواهد رسید. مراتب جهت اطلاع اعلام میگردد. ح

مدیرکل اداره سوم - ثابت

۵۴/۹/۹
۵۴/۹/۹

مسئول بررسی - وثوق
رئیس اداره تحقیقات و بررسی - عطاریور

۵۲-۱۱۵



مکاتبه اداره کل سوم ساواک با ساواک قم در خصوص احضار آیت الله احمد آذری قمی برای
اخذ تعهد از نامبرده در پی خروج بدون اجازه وی از محل تبعید خود

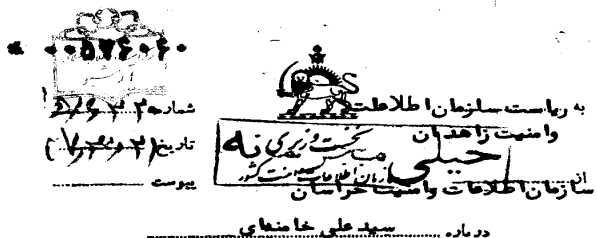
شماره
تاریخ
پیوست
از اداره کل سوم ۳۰۲
به ریاست ساواک استان اصفهان
۱۰ هـ
سازمان اطلاعات امنیت کشور

در باره: شیخ احمد بیگلری آذری فرزند حسینعلی
پرو شماره: ۳۱۲/۵۰۴/۴۶ و ۱۰/۷۸۰۷/۵۴/۶/۱۷ هـ

نامبرد مهلا همروزه، د فتر اعلام حضور را در شهر بانی امضاء کرده است، لذا تبصره (۱) ماده (۳) از قانون حفظ امنیت اجتماعی با وضعیت او تطبیق نمیکند. خواهشمند است دستور فرمائید مشارالیه احضار شوند بد آن بوی تذکره داده شود پس از امضاء فستر، از منطقه بخارج و یا به سایر مناطق مسافرت نکند و از ایراد سخنرانی و تحریک اهالی خودداری نماید. در صورتیکه بخواهد پرویه خود ادامه دهد، ضمن آنکه محل اقامت او تغییر داده خواهد شد پس از خاتمه محکومیت نیز تبعید او تمدید میگردد و صلاح اوست که در مدت باقیمانده محکومیت خود اقدامی بعمل نیاورد که موجبات اتخاذ تصمیم شد بد سر را در مورد او فراهم کند. نتیجه را با عکس العمل شخص موصوف در مقابل مطالبی که بوی بازگوشود، باین اداره کل اعلام نمایند.

مدیرکل اداره سوم، ثابت
گیرنده: ریاست ساواک قم (۲ هـ) پرو شماره مهلا جهت آگاه کردن
مسئول بررسی و پیگیری
رئیس بخش ۳۰۲
رئیس اداره یکم عملیات و بررسی، عطارپور
۵۲-۱۱۵
۵۴/۱۸/۲۰
۵۴/۱۸/۲۰

احضار آیت الله احمد آذری قمی برای اخذ تعهد از نامبرده در پی خروج بدون اجازه وی از محل تبعید خود



در باره: سیدعلی خامنه‌ای

عطف به ۱۶۷۹/۱۱/الف - ۳۲/۱/۳۰ تحکیم
موقعیت نامبرده، بالادرجه محل تبعیدی به محل
نمیباشد اصلاح است با توجه به دستورالعملهای صادره
محدود پنهانی جهت وی فراهم گردد. - ع

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - شیخان

گیرنده

✓ مدت برت کل اداره سوم ۳۱۲ بهر شماره معطوفی جهت
استحضار. -

استحضار. -

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۴/۰۷
دانش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۷
حجتی متحر م. ن. ه
۳۵-۲۵۸

گزارش ساواک در خصوص موقعیت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای در محل تبعید



۵۷۶۰۹

طبقه بندی حفاظتی

درجه فوریت

تلفظ اوقات وارده

۳ - شماره ۱۹/۹۹۹

۱ - ب ۳۱۲

۴ - تاریخ ۱۳۲۸/۲/۲۷

۲ - از ۵

۵ - ساعت دریافت

تاریخ ۱۳۲۸/۲/۲۷ روز ۱۵۹۱
در محضر دادگاه عالی و با حضور
تبعید سید علی خامنه ای اعتراض کرده اند
شهریاری بدون هیچگونه حاشیه ای متفرق گردیدند
دادگاه شعبه پنج استان تهران است
کماحقا بنشی بر تبعید خامنه ای رسیدگی می نماید

۱۳۲۸/۲/۲۷
ساعت روز سال
بخش داخل گردید

خسته با کجاست
۱۳۲۸/۲/۲۷

ب ب ب ب ب ب ب ب

طبقه بندی حفاظتی

۵۳-۳۰۱



اعتراض به تبعید آیت الله خامنه ای

شماره ۰۱۰۵۲۰۱۱


نخست وزیر
سازمان اطلاعات امنیت کشور
 س.ا.و.ا.ک

گیرنده مدیریت کل اداره سوم ۳۱۲
 فرستنده سازمان اطلاعات و امنیت قم
 شماره عطف
 پیوست

تاریخ ۱۳۸۵/۵/۲۷
 شماره ۲۱/۱۱۵۹
 شماره پرونده گیرنده
 شماره پرونده فرستنده

موضوع

در اجرای امریه های معطوف در تاریخ ۳۷/۵/۱۲ با تشکیل کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان قم محل اقامت اجباری افراد مشروحه زیر نسبت به بقیه مدت محکومیتشان به شهرستانهای تعیین شده تغییر مراتب از طریق فرمانداری قم به فرمانداری های شهرستان مربوطه اعلام گردیده است که نسبت به انتقال متهمین مورد بحث به شهرستانهای مورد نظر اقدام نمایند اینک يك نسخه از صورتجلسه تنظیمی جهت استحضار پیوست تقدیم میگردد.

- ۱- عبدالرحیم ربانی شیرازی فرزند بهمنعلی تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۲۷۰ از شهرستان سردشت به جیرفت
 - ۲- ابوالقاسم خزعلی فرزند غلامرضا تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۶۰ از مجار به ایذه. (هنوز ستگیر نشده است)
 - ۳- علی اکبر مکارم فرزند محمود تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۱۲ از شهرستان سنندج به ایذه. (هنوز ستگیر نشده است)
 - ۴- محمد مهدی ربانی رانکوهی فرزند ابوالمکارم تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۶۱ از بابلک به جیرفت.
 - ۵- حسین نوری همدانی فرزند ابراهیم تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۶۷ از خخلال به جیرفت.
 - ۶- محمد یزدی فرزند علی تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۴۵ از شاه آباد غرب به جیرفت.
 - ۷- محمد صادق صادق گوی فرزند یداله تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۷۲ از بانه به بندرلنگه.
 - ۸- حسین سلیمانی فرزند رضا تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۷۱ از تربت جیدریه به جیرفت.
 - ۹- غلامحسین خردمند فرزند مهدی تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۴۱ از خوی به جیرفت.
 - ۱۰- محمد جواد حجتی کرمانی فرزند عبدالحسین تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۶۱ از سنندج به جیرفت.
 - ۱۱- ناصر مکارم شیرازی فرزند علی محمد تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۶۱ از انارک به جیرفت.
 - ۱۲- عبدالمجید معاد پخواه فرزند حسین تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۶۱ از شا هپور به جیرفت.
 - ۱۳- محمدعلی گرامی فرزند عباس تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۶۱ از شوشتر به جیرفت.
 - ۱۴- حاج قاسم دخیلی فرزند حسن تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۶۱ از تبریز به جیرفت.
 - ۱۵- حسن صانعی فرزند محمدعلی تلگراف شماره ۳۱۲/۵/۱۶۱ از زماند آب به ایذه. (هنوز ستگیر نشده)
- رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم - معین



فهرستی از تبعیدشدگان



درباره عهد المرحوم رهانی شیرازی فرزند همانعلی

رئيس سازمان اطلاعات و امنیت - معینی

۴/۱۰/۳۶ جہت استحضار
۱۱۵-۳۵ ش

کتابخانه: انجمن اسلامی
آرشیو
اسناد و مدارک
شماره ۲۱

محکومت آیت الله ربانی شیرازی به مدت ۳ سال تبعید به چاه بهار

۶۸ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱